

آزمون سخت سیاست‌گذار



عاطفه خسروی مدیر مسئول

نیمه دوم سال ۱۴۰۵ برای اقتصاد ایران در شرایطی آغاز شده که بسیاری از متغیرهای اقتصادی همچنان در نقطه‌ای میان «ثبات» و «نااطمینانی» قرار دارند. همزمانی چند روند مهم حساسیت نیمه دوم سال برای اقتصاد را بیشتر می‌کند. از یک طرف، تورم و کاهش قدرت خرید همچنان مهم‌ترین دغدغه خانوار است و از طرف دیگر، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با افزایش هزینه‌های تولید، مشکلات تأمین مالی و ابهام نسبت به آینده مواجه‌اند. در کنار این عوامل، وضعیت بازار ارز، سیاست‌های دولت در حوزه بودجه و تجارت خارجی نیز مزید بر علت شده‌اند. در نهایت اقتصاد ایران در نقطه‌ای قرار گرفته که یک تصمیم سیاسی یا تحول خارجی به سرعت می‌تواند مسیر بازارها تغییر دهد. اما برای پیش بینی روزه‌ای پیش رو بررسی چند شاخص کلان اجتنال ناپذیر است.

تورم همچنان مرکز ثقل اقتصاد

تورم احتمالاً همچنان مهم‌ترین متغیر اقتصادی برای خانوارها در نیمه دوم سال خواهد بود. برای سیاستگذار نیز کنترل تورم صرفاً یک هدف آماری نیست؛ چراکه تداوم افزایش قیمت‌ها مستقیماً بر مصرف، سرمایه‌گذاری، دستمزدها و حتی رفتار اقتصادی مردم اثر می‌گذارد. مشکل اصلی اینجااست که تورم در ایران تنها محصول افزایش نقدینگی یا سیاست‌های پولی نیست. مجموعه‌ای از عوامل از جمله رشد هزینه‌های تولید، نرخ ارز، کسری‌های بودجه‌ای، انتظارات تورمی و محدودیت‌های سبمت عرضه در شکل‌گیری تورم نقش دارند. بنابراین حتی در شرایطی که سیاستگذار بتواند سرعت رشد نقدینگی را کنترل کند، اگر سایر عوامل تورم‌زا پابرجا باشند، کاهش پایدار تورم دشوار خواهد بود.

در چنین شرایطی، نیمه دوم سال می‌تواند برای سنجش میزان موفقیت سیاست‌های ضدتورمی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. اگر سیاستگذار بتواند همزمان بازار ارز، نقدینگی و کسری‌های بودجه‌ای را مدیریت کند، احتمال کاهش تدریجی فشار تورمی وجود خواهد داشت. اما در صورت افزایش شوک‌های ارزی یا بودجه‌ای، تورم می‌تواند دوباره شتاب بگیرد.

ارز: متغیری فراتر از یک قیمت

بازار ارز در اقتصاد ایران مبحث‌ه‌است که تنها یک بازار مالی نیست؛ بلکه به نوعی دماسنج انتظارات اقتصادی تبدیل شده است. تغییرات نرخ ارز بر نرخ کالاهای وارداتی، مواد اولیه، هزینه تولید و حتی تصمیم سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارد. به همین دلیل، هرگونه بی‌ثباتی در این بازار می‌تواند به سرعت به سایر بخش‌های اقتصاد منتقل شود.

در نیمه دوم سال، مهم‌ترین مسئله برای بازار ارز احتمالاً نه صرفاً سطح قیمت، بلکه میزان ثبات آن خواهد بود. فعال اقتصادی بیش از آنکه نیازمند یک نرخ ثابت باشد، به پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. تولیدکننده‌ای که نمی‌داند هزینه مواد اولیه خود را در ماه آینده با چه نرخ‌ی باید تأمین کند، نمی‌تواند به‌درستی درباره تولید، قیمت‌گذاری یا سرمایه‌گذاری تصمیم بگیرد.

از این منظر، کاهش نوسانات بازار ارز می‌تواند حتی پیش از کاهش محسوس نرخ ارز، آثار مثبتی بر اقتصاد داشته باشد. در مقابل، افزایش نااطمینانی ارزی می‌تواند موج جدیدی از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه ایجاد کند.

نقش رشد اقتصادی در معیشت

یکی دیگر از پرسش‌های مهم نیمه دوم سال، وضعیت رشد اقتصادی است. ممکن است اقتصاد در برخی بخش‌ها رشد تولید را تجربه کند، اما این رشد الزاماً به معنای بهبود وضعیت معیشتی خانوارها نیست. آنچه برای مردم اهمیت دارد، افزایش درآمد واقعی، ایجاد شغل و قدرت خرید است.

اقتصاد ایران در سال‌های گذشته نشان داده است که رشد اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری کافی و بدون بهبود بهره‌وری نمی‌تواند به‌تنهایی موتور قدرتمندی برای ایجاد رفا باشد. اگر رشد عمدتاً از محل افزایش تولید در بخش‌های محدود و سرمایه‌بر حاصل شود، اثر آن بر اشتغال و درآمد خانوارها محدود خواهد بود.

بنابراین در نیمه دوم ۱۴۰۵ باید میان «رشد تولید» و «رشد رفا» تفاوت قائل شد. مسئله اصلی این است که آیا اقتصاد می‌تواند از مرحله حفظ سطح فعالیت اقتصادی به مرحله ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید و سرمایه‌گذاری برسد یا خیر.

یک بازی سرد درم بودجه دولت

یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر تمام بازارهای اقتصادی اثر بگذارد، وضعیت بودجه دولت است. هرچه فاصله میان منابع و مصارف بودجه افزایش پیدا کند، فشار بر شیوه‌های تأمین مالی بیشتر خواهد شد و به تبع این تأمین این کسری بودجه از طریق مسره‌هایی مانند چاپ پول کنترل تورم دشوارتر می‌شود.

بنابراین دولت در نیمه دوم سال با یک معادله دشوار مواجه خواهد بود: از یک سو باید انقباض مالی را افزایش دهد و از سوی دیگر نمی‌تواند از نقش خود در حمایت از رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری غافل شود.

معیشت: نقطه تلاقی همه شاخص‌ها

تمام این متغیرها در نهایت به یک نقطه مشترک می‌رسند: زندگی روزمره مردم. ممکن است نرخ رشد اقتصادی مثبت باشد، بازار ارز برای مدتی آرام شود یا حتی برخی شاخص‌های کلان بهبود پیدا کنند، اما اگر قدرت خرید خانوارها ترمیم نشود، احساس بهبود اقتصادی در جامعه شکل نخواهد گرفت.

تداوم تورم، افزایش هزینه مسکن، رشد هزینه‌های خوراک و خدمات و فاصله میان رشد دستمزد و هزینه زندگی، فشار قابل‌توجهی بر خانوارها وارد کرده است. بنابراین یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد اقتصادی در نیمه دوم سال، میزان تغییر در درآمد واقعی خانوارها خواهد بود.

سرمایه‌گذاری: حلقه مفقوده اقتصاد

در میان همه متغیرهای اقتصادی، شاید سرمایه‌گذاری از اهمیت بلندمدت بیشتری برخوردار باشد. اقتصاد برای رشد پایدار به سرمایه‌گذاری در زیرساخت، انرژی، صنعت، فناوری و نیروی انسانی نیاز دارد. بدون این سرمایه‌گذاری‌ها، حتی اگر اقتصاد در کوتاهمدت بتواند رشد کند، ظرفیت ادامه این رشد محدود خواهد بود.

فعال اقتصادی برای سرمایه‌گذاری به یک عنصر اساسی نیاز دارد: «اطمینان نسبت به آینده». وقتی نااطمینانی بالا باشد، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد منابع خود را به فعالیت‌های کوتاه‌مدت‌تر یا دارایی‌هایی اختصاصی دهد که امکان حفظ ارزش آنها بیشتر است. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش سرمایه‌گذاری مولد و تضعیف ظرفیت رشد آینده خواهد بود.

در نهایت، نیمه دوم سال ۱۴۰۵ را نمی‌توان با قطعیت پیش‌بینی کرد. اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به کیفیت سیاستگذاری و میزان پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصادی وابسته است. بنابراین باید منتظر ماند و دید اقتصاد در نیمه دوم سال چگونه و چقدر می‌تواند از چرخه نااطمینانی، تورم و کاهش سرمایه‌گذاری فاصله بگیرد.

شاید نیمه دوم سال ۱۴۰۵ با توجه به شرایط سیاسی در بعد داخلی و خارجی یک آزمون مهم برای سیاست‌گذار تلقی شود. آزمون‌ی برای برقراری تعادل میان کنترل تورم، حفظ رشد اقتصادی، مدیریت بودجه و حمایت از معیشت خانوار؛ نتیجه این آزمون نه فقط وضعیت اقتصاد سال ۱۴۰۵، بلکه بخشی از مسیر اقتصاد ایران در سال‌های بعد را نیز تعیین خواهد کرد.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

اقتصاد در ساعت صفر

دشواری در پیش‌بینی آینده، افزایش هزینه‌های تولید و محدودیت در تصمیم‌گیری مواجه‌اند. بازار ارز، تورم، نقدینگی، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و وضعیت بودجه دولت، مجموعه‌ای از متغیرهایی هستند که در ماه‌های آینده بیش از گذشته به یکدیگر گره خواهند خورد. هر تغییر در یکی از این بخش‌ها می‌تواند انتظارات فعالان اقتصادی را تغییر دهد و به سرعت خود را در بازارهای مختلف نشان دهد. در پرونده این شماره **معمده** به بررسی نیمه دوم سال از نگاه کارشناس پرداخته‌ایم.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی دیگر صرفاً این نیست که اقتصاد ایران در ماه‌های پیش‌رو با چه عددی از تورم یا رشد اقتصادی مواجه خواهد شد، بلکه این است که کدام‌یک از این نیروهای متضاد دست بالا را پیدا خواهند کرد و مسیر اقتصاد تا پایان سال را شکل خواهند داد. نیمه نخست سال تصویری پیچیده از وضعیت اقتصاد به جا گذاشته است؛ تصویری که در آن برخی متغیرها نشانه‌هایی از ثبات نشان می‌دهند، اما هم‌زمان بخش قابل‌توجهی از فعالان اقتصادی همچنان با

مساله‌چند وجهی اقتصاد ایران در نیمه‌دوم سال

در شرایط نااطمینان، تقاضا برای ارز و سایر دارایی‌ها نیز افزایش می‌یابد. خانوارها برای حفظ قدرت خرید خود و نگاه‌ها برای پوشش ریسک آینده، ممکن است بخشی از منابع خود را از سپرده و فعالیت‌های مولد به سمت ارز، طلا، مسکن و سایر دارایی‌ها منتقل کنند. در نتیجه، انتظارات تورمی می‌تواند به عاملی مستقل برای تشدید فشار بر بازار ارز و قیمت‌ها تبدیل شود. ریسک مهم دیگر، بودجه دولت است. اگر درآمدهای نفتی یا سایر منابع پیش‌بینی‌شده تحقق پیدا نکند، دولت با شکاف میان منابع و مصارف مواجه خواهد شد. نحوه تأمین این شکاف اهمیت تعیین‌کننده دارد. افزایش بدهی، فشار مالیاتی، کاهش مخارج یا استفاده مستقیم و غیرمستقیم از منابع بانکی و پولی آثار متفاوتی بر اقتصاد دارند. تجربه اقتصاد ایران نشان داده است که انتقال کسری بودجه به ترازنامه بانک‌ها و در نهایت بانک مرکزی می‌تواند به افزایش نقدینگی و تشدید تورم منجر شود. در این میان، ناترازی نظام بانکی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. تورم بالا، کاهش قدرت خرید، افزایش ریسک اعتباری و ضعف برخی بنگاه‌ها می‌تواند کفایت دارایی بانک‌ها را تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر، در محیط تورمی ممکن است سودهای حسابداری با سود اقتصادی واقعی فاصله بگیرند. بنابراین در شرایط کنونی، بیش از سود اسمی و حسابداری، باید به جریان نقد واقعی، کیفیت دارایی‌ها، مطالبات غیرجاری و کفایت سرمایه بانک‌ها توجه کرد. ادامه ناترازی بانک‌ها می‌تواند یکی از مسیرهای مهم انتقال بحران مالی به تورم و رشد اقتصادی باشد. ناترازی انرژی نیز یکی دیگر از محدودیت‌های مهم نیمه دوم سال است. کمبود برق و گاز، به‌ویژه برای صنایع بزرگ، هم تولید را محدود می‌کند و هم هزینه تولید را افزایش می‌دهد. این مساله می‌تواند هم‌زمان به کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم منجر شود؛ یعنی همان ترکیبی که سیاستگذاری را دشوارتر می‌کند. از سوی دیگر، فشار تورمی مستقیماً به قدرت خرید خانوارها منتقل می‌شود. کاهش



ولی‌الله سیف- رئیس کل پیشین بانک مرکزی: نیمه نخست سال۱۴۰۵ را می‌توان یکی از پریسک‌ترین دوره‌های اقتصاد ایران در سال‌های اخیر دانست. اقتصاد کشور در آغاز سال نیز با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری، از جمله تورم بالا، ناترازی بودجه و بانک‌ها، محدودیت‌های ارزی، ضعف سرمایه‌گذاری و ناترازی انرژی مواجه بود؛ اما تحولات شش‌ماهه نخست، این مشکلات مزمن را با شوک‌های جدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی درهم آمیخت. به همین دلیل، ارزیابی نیمه دوم سال بیش از آنکه به یک پیش‌بینی عددی نیاز داشته باشد، مستلزم شناخت مسیر انتقال این ریسک‌ها به اقتصاد است. مهم‌ترین ویژگی اقتصاد در این دوره، افزایش هم‌زمان تورم و نااطمینانی است. افزایش شدید هزینه‌های تولید و فشار بر قیمت کالاها و خدمات نشان می‌دهد که تورم دیگر صرفاً ناشی از افزایش تقاضا نیست، بلکه بخش مهمی از آن از سمت هزینه و محدودیت عرضه نیز تغذیه می‌شود. هنگامی که نرخ ارز، هزینه مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل و تأمین مالی افزایش می‌یابد، بنگاه‌ها ناچارند بخشی از این هزینه‌ها را به قیمت نهایی منتقل کنند. در چنین شرایطی حتی کاهش موقت سرعت رشد نقدینگی نیز لزوماً به معنای کاهش سریع تورم نخواهد بود.

در کنار تورم، نااطمینانی ناشی از تحولات خارجی و ژئوپلیتیک مهم‌ترین ریسک نیمه نخست سال بود. اقتصاد ایران به‌دلیل وابستگی قابل‌توجه درآمدهای دولت و عرضه ارز به صادرات نفت و نیز محدودیت‌های ناشی از تحریم، همواره در برابر تحولات خارجی آسیب‌پذیر بوده است. هرگونه اختلال در صادرات نفت، حمل‌ونقل، دریافت درآمدهای ارزی یا دسترسی به منابع خارجی، مستقیماً به بازار ارز و غیرمستقیماً بر تورم، واردات و تولید اثر می‌گذارد. اما اهمیت مساله صرفاً در کاهش عرضه ارز نیست،

یادداشت

اقتصاد در دام این انحصارات

مواجهند و آنهایی که به تجارت خارجی وابسته‌اند، ممکن است نتوانند از این شرایط به سلامت عبور کنند. همه این‌ها را می‌توان با کلید واژه‌های «محدودیت منابع» و «نااطمینانی» برجسته کرد. اگر اقدامات لازم صورت نگیرد، محدودیت منابع و نااطمینانی‌ها می‌توانند ضربات جبران‌ناپذیری به قدرت تولید اقتصادی کشور وارد کنند. مهم‌ترین اقداماتی که باید در این شرایط انجام داد از یکسو شناخت محدودیت‌های ایجاد شده و اولویت‌بندی برای کاهش مشکلات است و از سوی دیگر تلاش در راستای کاهش نااطمینانی‌هایی که منشأ داخلی و ریشه در سیاست‌های اقتصادی دارند. ناکارآمدی‌هایی که در اقتصاد را حتی در غیاب شرایط جنگی فلج می‌کند، در

ایران به وفور به چشم می‌خورد. شناخت این ناکارآمدی‌ها و حرکت برای کاهش آنها تنها راهی است که می‌توان ایران را در این شرایط حفظ کرد. دولت فعلی در سال پیش با کاهش عرضه ارز به قیمت پایین و اسمال با حرکت به سمت تغییر شرایط فشار انرژی که در جهت درستی برداشت. راه‌های بزرگ‌تری برای استفاده بهتر از منابع لازم است. تجربه دولت در دوران جنگ با فعالیت‌هایی مانند تخلیه سریع بنادر از کالاهای، باز کردن سریع گمرکات دیگر و نیز تجربه سایر ارگان حکومت در بازسازی سریع تخریب‌های ناشی از حملات دشمن، نشان می‌دهد که شرایط جنگی می‌تواند



چشم تصمیم‌گیران را به محدودیت‌ها باز کند و امکان رفع سریع مشکلات را به آنها گوشزد کند. اتفاقی که باید به وقوع آن آگاه باشیم و در سال‌های تحریم به کرات با آن مواجه بوده‌ایم و از آن ضربه خورده‌ایم، همان است که با اسامی مختلف از قبیل کاسبان تحریم یا مساله راستی‌ها شناخته شده‌اند. در شرایط جنگی که امکان تجارت و فعالیت شفاف و سالم کم می‌شود، صاحب نفوذان باز می‌شود تا با وعده کمک به کاهش مشکلات، سیاست‌های محدودکننده را پیش ببرند و به کسب امتیازات و انحصارات پربازداند. وقتی این امتیازات داده شدند، کباب پس گرفتن آنها به سختی ممکن خواهد بود. بلایی که امتیازات و انحصارات خودروسازان یا فیلترشکن‌فروشان بر سر اقتصاد آورده‌اند، دو نمونه روشن از این فرآیند است. اقتصادی که در دام این انحصارات بیفتد، به سختی می‌تواند از آن بیرون بیاید. جنگ مشکلی مضاعف بر اقتصاد ضعیف ایران تحمیل کرده است. اگر وجو مشکلات ناشی از جنگ انکار شوند، محدودیت‌ها به رسمیت شناخته نشوند و اقدامات مناسبی در راستای استفاده بهتر از منابع محدود صورت نگیرد، مشکلات چند برابر خواهند شد؛ ولی اگر به درستی شناخته شوند، امکان حرکت در جهت کاهش آنها فراهم خواهد شد.

خطر تداوم انتقال شوک

گذشته حکایت دارند این شوک از طریق بازار ارز به اقتصاد داخلی منتقل می‌شود؛ افزایش نااطمینانی و کاهش عرضه ارز می‌تواند نرخ ارز را تحت فشار قرار دهد و سپس از طریق افزایش هزینه کالاهای وارداتی، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و همچنین افزایش انتظارات تورمی، به سطح عمومی قیمت‌ها منتقل شود. در کنار این عامل، محدودیت‌های انرژی و ناترازی برق و گاز نیز همچنان یک ریسک مهم برای بخش تولید محسوب می‌شود. در شرایطی که بنگاه‌ها هم‌زمان با افزایش هزینه‌ها، محدودیت دسترسی به مواد اولیه و کاهش تقاضای حقیقی مواجه‌اند، اختلال در انرژی می‌تواند مستقیماً ظرفیت تولید را کاهش دهد. بنابراین بخشی از فشار تورمی موجود، در کنار عوامل پولی و ارزی، از سمت هزینه و محدودیت عرضه نیز تغذیه می‌شود. یکی دیگر از مسیرهای مهم انتقال نااطمینانی به نیمه دوم سال، وضعیت مالی دولت است. کاهش فعالیت اقتصادی و محدود شدن درآمدهای ارزی می‌تواند منابع بودجه را تحت فشار قرار دهد؛ در حالی که بخش قابل‌توجهی از مخارج دولت ابعلاقی‌پذیری محدودی دارد. نحوه تأمین کسری بودجه در این شرایط اهمیت زیادی پیدا می‌کند؛ زیرا تأمین مالی تورم‌زا می‌تواند فشار موجود



عباس خندان، استاد دانشگاه خوارزمی: نیمه اول سال ۱۴۰۵ را باید یکی از دوره‌های پریسک و پر از نااطمینانی اقتصاد ایران در سال‌های اخیر دانست. ویژگی اصلی این دوره، همزمانی چند شوک و محدودیت بود؛ به‌گونه‌ای که اقتصاد ایران که سال‌ها با مساله مزمن تورم و ناترازی‌های ساختاری مواجه بود، شوک‌های سیاسی، امنیتی و خارجی نیز بر آن افزوده شد. در نتیجه، فشار هم‌زمان‌بر تولید، قدرت خرید خانوار، سرمایه‌گذاری و بازار ارز افزایش یافت. شدت این شرایط را می‌توان در تحولات تورمی نیز مشاهده کرد؛ به‌طوری‌که تورم نقطه‌به‌نقطه در مردادماه به حدود ۸۹درصد و تورم سالانه به ۶۹۹درصد رسید. به نظر می‌رسد

مهم‌ترین نااطمینانی اثرگذار بر اقتصاد در این دوره، عدم‌قطعیت‌های ژئوپلیتیک، ریسک‌های مربوط به جنگ و پیامدهای آن برای تجارت خارجی و درآمدهای ارزی بوده است. محدودیت در صادرات نفت و دشواری انتقال منابع حاصل از آن، از یکسو عرضه ارز را کاهش داده و از بسوی دیگر، درآمدهای دولت را تحت فشار قرار داده است. گزارش‌های اخیر نیز از کاهش شدید جریان صادرات نفت ایران در ماه‌های

یادداشت

از تحلیل تلاطم تا سازکار ترمیم



محصول هم‌زمان شوک عرضه و عوامل پولی: داده‌های رسمی مردادماه نشان می‌دهد تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۴٫۴درصد رسید. شرایط نیمه نخست سال را باید فراتر از یک افزایش معمول قیمت‌ها تحلیل کرد. شوک‌های سمت عرضه و اخلال در تولید، افزایش هزینه تجارت و حمل‌ونقل، تغییرات نرخ ارز و رشد نقدینگی، می‌تواند به‌صورت هم‌زمان عمل کنند و یکدیگر را تقویت کنند. به لحاظ تحلیلی، افزایش تورم در چنین شرایطی را می‌توان حاصل برهم‌کنش سه نیرو دانست: شوک عرضه، انتقال تغییرات نرخ ارز در قیمت‌های داخلی و

رشد اسمی تقاضا در شرایط محدودیت عرضه.

رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه؛ اگرچه هنوز تصویر کامل و نهایی

حساب‌های ملی نیمه نخست سال در دسترس نیست، اما انتظار کاهش رشد اقتصادی در این دوره از نظر تحلیلی قابل توضیح است. ترکیب اختلال در تولید، کاهش تجارت، افزایش هزینه‌های مبادله، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نااطمینانی، مجموعه‌ای از عوامل منفی برای رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. از این منظر، یکی از متغیرهای کلیدی برای ارزیابی نیمه دوم سال، نه فقط میزان تولید جاری، بلکه رفتار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی و میزان بازگشت ظرفیت‌های بلااستفاده به مدار تولید خواهد بود. چشم‌انداز نیمه دوم سال، چشم‌انداز نیمه دوم سال را نمی‌توان بر اساس یک سناریوی واحد ترسیم کرد. متغیر تعیین‌کننده، بیش از هر چیز، مسیر تحولات ژئوپلیتیک، وضعیت تجارت دریایی، امکان صادرات نفت و سایر کالاهای صادراتی و میزان بازگشت اطمینان به اقتصاد خواهد بود. اگر شرایط منطقه‌ای به سمت باز شدن سرمایه‌های تجاری حرکت کند، اقتصاد ایران می‌تواند در نیمه دوم سال از چند کانال با بهبود قابل‌توجه مواجه شود. نخست، افزایش ظرفیت صادرات و کاهش هزینه‌های تجارت خارجی می‌تواند موجب بهبود نسبی تراز تجاری و افزایش عرضه ارز شود. دوم، درآمدهای نفتی در صورت حفظ قیمت‌های نسبتاً بالای نفت و امکان افزایش حجم صادرات می‌تواند نسبت به نیمه نخست بهبود پیدا کند.